

1.SONNTAG NACH TRINITATIS – 14. JUNI 2020

Andacht für den 14. JUNI 2020 (1. Sonntag nach Trinitatis)

یکشنبه بعد از ترینیتاتیس – ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰
نیایش برای ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰ (اولین یکشنبه بعد از ترینیتاتیس)

عیسی مسیح در تمام شهرها و روستاها می گشت و درکنیسه ها تعلیم می داد و مژده ی پادشاهی خدا را اعلام می کرد و هر نوع ناخوشی و بیماری را شفا می داد. وقتی او جمیعت زیادی را دید، دلش به حال مردم سوخت زیرا آنان مانند گوسفندان بدون شبان پریشان حال و درمانده بودند. پس به شاگردان خود گفت: "درحقیقت محصول فراوان است ولی کارگر کم. بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کارگرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستند." عیسی دوازده حواری را نزد خود خواند و به آنان قدرت داد تا ارواح پلید را بیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا بخشند. عیسی این دوازده نفر را به ماموریت فرستاده به آنها گفت: "از سرزمینهای غیر یهود عبور نکنید و به هیچ یک از شهرهای سامریان وارد نشوید، بلکه نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل بروید و دربین راه اعلام کنید که پادشاهی آسمان نزدیک است. (متی ۹ - ۱۰، ۳۵، ۷*)

(Matthäus 9,35 – 10,7*)

"از سرزمین های غیر یهود عبور نکنید، بلکه نزد گوسفندان گمشده قوم بنی اسرائیل بروید." این ماموریت داده شده از طرف عیسی مسیح به حواریون شاید تلخ ترین قسمت کتاب عهد جدید در نزد ما مسیحیان می باشد که ما آنرا در آنجا می خوانیم. زیرا با خواندن آن تمام پایه و اساس اعتقاد دینی ما زیر سوال قرار می گیرد. ما مسیحیان خود را موظف می دانیم آنچه را که در انجیل وعده داده شده صریحا بپذیریم. ولی این سخن عیسی مسیح این سوال را در ما بر می-انگیزد: آیا ما اجازه داریم وعده های داده شده از خداوند را اصلا به خود نسبت داده و آنرا قبول کنیم؟ حداقل آنکه ما آنها را در نزد خود قابل قبول می دانیم: حتی برای عیسی مسیح نیز قبول قطعی این مسئله که قوم بنی اسرائیل، قوم برگزیده شده توسط خداوند بوده، و خداوند آنان را همواره یاری نموده و مورد محبت قرار داده و بر اقوام دیگر آنها را ترجیح داده است. در واقع برای عیسی مسیح هم این قوم در همان رتبه قرار داشت.

ولی اگر با دقت به مسئله بنگریم متوجه می شویم که خوده قوم بنی اسرائیل هرگز به این مهم توجه نکرده بودند که خداوند آنان را بر دیگران ترجیح داده و برگزیده می باشند. کاملا برخلاف آن اینکه: پیش از آن مسئله مورد تعقیب قرار گرفتن قوم بنی اسرائیل، و مشکلات بسیار زیادی که آن قوم در بین راه متحمل شدند، این سوال مطرح می شود، که چقدر وعده های داده شده از طرف خداوند واقعا ارزش دارند. و این آن چیزی است که باید آنرا در ایمان آن قوم جستجو نماییم: اینکه همیشه ایمانشان را به خداوند حفظ نمودند، حتی آن زمانی که واقعا حق داشتند که به خداوند شک نموده و از او نا امید باشند. اینکه هرگز از خداوند صرف نظر نکرده و دست از ایمانشان بر نداشتند حتی زمانی که احساس می کردند خداوند در کنارش نیست و آنها را رها شده اند. یک نویسنده معروف یهودی به نام نوی کولیتز با کلامی بسیار زیبا و چشمگیری می نویسد: "در حقیقت می توان گفت که معذالک حتی قلب شکسته نیز کامل است؛ چنانچه قومی که دائما مورد ظلم و ستم واقع گردیده دقیقا همان قومی است که مورد لطف و محبت خداوند

قرار گرفته، پس باید اینطور معتقد باشیم که او ما را به جهت رنج و اندوه مان برگزید. من به خداوند بنی اسرائیل ایمان دارم، در حالیکه خداوند در تمام مدت تلاش می کرد که من نباید به او ایمان داشته باشم.

کلامی را که عیسی مسیح به حواریون فرستاد در مرحله اول نشانگر گواهی قاطع و صریح در مورد وفاداریش نسبت به خداوند می باشد: و آنکه با تبدیل شدن خداوند در قالب یک انسان شبیه همه انسانها و آمدن وی به این دنیا، در حقیقت از این طریق عمل آنان را نسبت به امیدوار بودن به خداوند در انسانها تقویت نموده؛ و در این رویارویی آنها با پسر خداوند نشان دهنده این مطلب است قولها و وعده های خداوند هرگز بیهوده نبوده و خداوند آنچه را گفته بدان نیز بطور کامل عمل می کند. و سپس آنکه، وقتی ما این وعده خداوند را نسبت به قوم بنی اسرائیل با سپاس می پذیریم و درباره آن خوشحال می شویم، برای ما آن زمانی است که این سوال مطرح می شود تا چه حد این قولها و وعده ها شامل حال ما شده و تا چه اندازه معتبر می باشد. پس این یک هدیه خارق العاده از طرف خداوند به ما میباشد: در کتاب انجیل در وهله نخست همه اینها شامل حال قوم بنی اسرائیل شده و این دقیقاً همانی است که در کتاب عهد عتیق از همان ابتدا به آن نیز اشاره گردیده، که همه انسانها، مخلوقات خداوند هستند و همه مخلوقات تحت فرمانروایی خداوند می باشند، و آنکه تمام وعده های خداوند بطور کامل و دقیق شامل حال همه ما نیز گردیده و این در واقع لطف خداوند به همه ما می باشد.

قوم بنی اسرائیل همیشه بواسطه وعده های خداوند در خود این شهامت و جرات رایافته بودند: شهامت ایمان و اعتقاد به خداوند، حتی آن زمانی که خداوند وجود خود را پنهان ساخته بود؛ شهامت به داشتن ایمان و اعتقاد و امیدواری، حتی آن وقتی که همه چیز از ناامیدی سخن داشت؛ شهامت به ادامه دادن در زندگی، حتی آن وقتی که همه چیز بنظر از دست رفته و بیهوده تلقی میشد؛ شهامت به آینده ای پر امید، حتی آن زمانی که همه چیز را تمام شده و پوچ می شماردند. و کاملاً ما نیز به همان شکل باید در خود این شهامت را داشته باشیم: وقتی نگرانی ها و درد زندگی ما را می آزارد؛ وقتی زندگی ما به آن نقطه رسیده که بنظر می آید راهی وجود ندارد و ادامه غیر ممکن هست؛ و اما خیلی مسائل دیگری که امروز در زندگی مان بر ایمان اتفاق می افتد، که حتی اگر بسیار غیر معقولانه بنظر می رسند و هیچکدام از آنها تحت اختیار ما نیستند، و اما آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد؛ همه و همه شامل حال ما می شود و آن اینکه: خداوند می خواهد که تو زندگی کنی؛ خداوند گاهی خود را پنهان می سازد؛ اما او هرگز راضی به تنها گذاشتن تو نیست؛ فهم و درک خداوند گاهی سخت و دشوار است ولی تمام راه های خداوند همگی در انتها به محبت همیشگی او ختم می شوند.

Liedverse (EG 365,1)

سرود

من نمی خواهم خداوند را رها سازم / زیرا او نیز مرا رها نمی سازد، / او راهبر من است در همه جا، / و گرنه بدون او من بسیار سرگردانم. / او دستش را به سوی من دراز نموده ؛ / به هنگام شب و به هنگام روز / او همه چیز را برایم فراهم می سازد، / هر جایی که من باشم.
(اگ ۳۶۵، ۱)

Gebet – (Zvi Kolitz)

دعا

" من به خورشید ایمان دارم، حتی وقتی که نمی تابد. من به محبت ایمان دارم، حتی وقتی آنرا حس نمی کنم. من به خدا ایمان دارم، حتی وقتی او آرام و ساکت است." (نوی کولیتز)
کریستیان یوستن

Christian Justen